

حسابداری ارزش منصفانه در ارزشیابی ابزارهای مالی

دکتر حسین ایزدی

استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر

زهرامداحی

دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم (مسئول مکاتبات)

چکیده

با توجه به وجود ابزارهای مالی گوناگون مانند سهام، اوراق قرضه و انواع اوراق مشتقه در بازار اوراق بهادار و گسترش روز افزون ابزارهای مالی پیچیده که جهت رفع نیازهای سرمایه گذاران توسط مهندسان مالی طراحی می شود، تمرکز بیشتر بر روی شیوه های ارزشیابی واقعی لازم به نظر می رسد. ارزشیابی دارایی - بدهی و انعکاس آنها در صورتهای مالی، می تواند راهگشای تصمیم گیریهای آینده باشد. پس لازم است ارزشی در گزارشهای مالی قرار گیرد که علاوه بر افزایش شفافیت گزارشگری، تعبیرکننده عادلانه ترین و منصفانه ترین ارزش باشد. این مقاله پس از بررسی استانداردهای مربوط به حسابداری ارزش منصفانه بدنبال بدست آوردن ارزش منصفانه ابزارهای مالی پیچیده از طریق افراد داخل و خارج سازمان و واحد گزارشگر است و طرحی جهت توجه به همکاری های سازمان برای بکارگیری منابع داخلی و خارجی شان برای انجام دادن این ارزشیابی های مالی پیچیده است.

کلمات کلیدی: حسابداری ارزش منصفانه، بهای تمام شده تاریخی، تئوری توزیع شناخت، ابزارهای مالی، شرکت های سرمایه گذاری

۱. مقدمه

یکی از هدفهای عمومی گزارشگری مالی برای همه ی موسسات، از جمله نهادهای بانکی، خلق چارچوبی ارتباطی است که در آن، اطلاعات سودمندی به سرمایه گذاران، اعتباردهندگان و دیگر استفاده کنندگان بالفعل و بالقوه ای میدهد که می خواهند تصمیم گیری کنند [3]. پس از افشای اثرات مخرب بحران مالی اخیر جهانی، حسابداری ارزش منصفانه تحت حمله شدید سیاستمداران و مقامات نظارتی است. برچسب (حسابداری ارزش منصفانه) به عنوان یکی از دلایل آسیب عظیمی که در طول بحران مالی رخ داده است، شناخته شده است. بهرحال، برخی شک و تردید روی اهمیت و سودمندی حسابداری ارزش منصفانه هنوز مورد اختلاف است. نهادهای حرفه ای تدوین کننده استانداردهای حسابداری در طول سه دهه گذشته کوشیده اند به منظور افزایش ویژگی مربوط بودن اطلاعات حسابداری، در جهت طراحی مدل حسابداری ارزش منصفانه حرکت کنند. اگرچه به دلایل مختلفی همچون تضاد ویژگیهای کیفی مربوط بودن و اتکاپذیری اطلاعات استفاده از ارزش منصفانه با محدودیتهایی روبه رو گشته است، لیکن در این راه انتشار بیانیه ۱۵۷ هیئت استانداردهای حسابداری مالی در سال ۲۰۰۶ که به ترسیم چارچوب جامعی برای استفاده از مدل حسابداری ارزش منصفانه می پردازد، نقطه عطفی پنداشته می شود. [2] با این حال، این واقعیت است که هیات استانداردهای حسابداری بین المللی به تازگی مجموعه استانداردهای (IFRS 13) را منتشر کرده که دلالت بر انتشار جهانی و نفوذ بیشتر حسابداری ارزش منصفانه دارد. سوال مطرح شده این است که چرا

Accounting & Management

استانداردگذاران حسابداری مانند هیات استانداردهای حسابداری آمریکا، هیات استانداردهای حسابداری بین المللی، حسابداری ارزش منصفانه را برای آیتم های مختلف اتخاذ کرده اند؟

استانداردگذاران حسابداری، ممکن نیست بطور کامل مزایای واضح و روشن از حسابداری ارزش منصفانه را نسبت به دیگر روشهای ارزشیابی بشناسند زیرا آنها تصمیمات سیاسی شان بر پایه قضاوت ارزشی ذهنی به جای شواهد عینی است. بر اساس این فرض، هنوز نامشخص است که آیا حسابداری ارزش منصفانه واقعا^۱ نشان دهنده ارزش منصفانه دارایی های شرکت (بدهی های شرکت) است و برتر از سیستم سنتی پذیرفته شده حسابداری هزینه تاریخی می باشد. حتی در یکی از مجلات برتر علمی و پژوهشی حسابداری که تمایل به اقتصاد دارد، کاپلان^۱ هشدار می دهد که همه دانشجویان حسابداری طول می کشد از ارزش منصفانه بصورت داده استفاده کنند و نمی توان کشف کرد که ارزش منصفانه چگونه تخمین زده شده است. حرفه حسابداری در معرض خطر بالقوه برون سپاری این اندازه گیری دقیق و این ارزشیابی به دیگران است. این سخن محرکی بر اهمیت بررسی جنبه های کاربردی و علمی حسابداری ارزش منصفانه است. بر اساس این دیدگاه، مطالعه حاضر بر جنبه های خاصی از حسابداری ارزش منصفانه تمرکز دارد و برگرفته از مفهوم شناخت توزیع شده به عنوان یک چارچوب تفسیری است. این چارچوب منحصر بفرده، جنبه های توزیعی از حسابداری ارزش منصفانه برای ابزارهای مالی پیچیده را روشن می کند. این چارچوب نشان می دهد که می توان برای بدست آوردن ارزش منصفانه برای ابزارهای مالی پیچیده مقداری از کار حسابداری را در داخل و مقداری در خارج واحد گزارشگر توزیع کرد. این همچنین اشاره دارد که این عمل از حسابداری ارزش منصفانه با توجه به برخی از ابزارهای مالی پیچیده، شامل دانش ها و ابزار مختلف است. علاوه بر این، بر اساس در نظر گرفتن موارد ارزشیابی خاص، مربوط بودن بیشتر حسابداری ارزش منصفانه از دیدگاه درک توزیع شده قابل ملاحظه است.

این مقاله به شرح زیر است. بخش بعدی اختلافهای اخیر روی حسابداری ارزش منصفانه را بررسی می کند. ابتدا مروری بر تحولات حسابداری ارزش منصفانه است و مفهوم شناخت توزیع شده را معرفی می کند و بعد از آن به بررسی عمل واقعی از حسابداری ارزش منصفانه از دیدگاه شناخت توزیع شده و همچنین تجزیه و تحلیل مفهوم توزیع و مکانیزم آن است. بر اساس تجزیه و تحلیل شیوه های حسابداری ارزش منصفانه، به نظر می رسد که گاهی ارزشیابی نسبتاً^۲ دشوار است، که این مطالعه توزیع بین دانش افراد و ابزار درگیر در داخل و خارج واحد گزارشگر را مد نظر قرار می دهد. و در پایان در مورد یافته های اصلی بحث و نتیجه گیری می شود.

۲. توسعه حسابداری ارزش منصفانه

حسابداری ارزش منصفانه برای دارایی های مختلف شرکتها و بدهی هایشان از طریق توسعه استانداردهای عمده حسابداری بکار گرفته شده است. ایالات متحده طی بیانیه استانداردهای حسابداری مالی ۱۵۷ «ارزش منصفانه» را این چنین تعریف می کند: «قیمتی که از فروش یک دارایی دریافت خواهد شد یا قیمتی که برای یک بدهی در یک معامله منظم میان شرکت کنندگان بازار در تاریخ اندازه گیری پرداخت می شود»^۲.

هنگام سود یا زیان دو وضعیت وجود دارد که در آن مناسب است ابزار مالی براساس ارزش منصفانه به همراه تغییرات در ارزش گزارش شده در سود یا زیان ارائه شود، اول وقتی ماهیت مبادلاتی دارد و درهمچنین در حالتی که بر مبنای ارزش منصفانه مدیریت می شود. وقتی ابزار مالی با هدف مبادلاتی نگه داری می شود، احتمالاً تا هنگام سررسید نگه داری نمی شود، هرچند این ویژگی تعیین کننده ای نیست. در عین حال، در عمل نتیجه ممکن است نگه داری ابزارها تا هنگام سررسید باشد، نمونه ی این ابزارهای مالی قراردادهای ابزار مشتقه ی خارج از بورس و قراردادهای ابزارهای مشتقه ی تسویه شده به سبک اروپایی است. [3] هدف این ابزارها کسب بازده از طریق دادوستد در شرایط مخاطره آمیز است. از آن جا که این ابزار دادوستد می شود، تغییرات مورد انتظار در عوامل برونی متفاوت و تغییرات ارزش محقق می شود، و ارزش منصفانه مقیاس مناسب وضعیت

1 Kaplan

2 FASB, 2006: para. 5

مالی است. به تازگی (IFRS13) اندازه گیری ارزش منصفانه توسط هیات استانداردهای حسابداری بین الملل صادر شده که مقرراتی شبیه بیانیه استانداردهای حسابداری مالی ۱۵۷ دارد. حسابداری ارزش منصفانه به طور قابل توجهی از حسابداری هزینه تاریخی سنتی متفاوت است. با توجه به تجزیه و تحلیل تاریخی از حسابداری ارزش منصفانه سال ۱۹۹۰ استانداردهای حسابداری بر پایه حسابداری هزینه تاریخی بیشتر و بیشتر بوسیله استانداردهای بر پایه حسابداری ارزش منصفانه جایگزین شدند. برای مثال، نه فقط بیانیه استانداردهای حسابداری مالی ۱۵۷ در آمریکا، بلکه همچنین IFRS 7 (استانداردهای حسابداری مالی: ارزش منصفانه در حسابداری اکتسابی در انگلستان) و IAS 39 (ابزارهای مالی: شناخت و اندازه گیری، نمونه موضوعاتی از چنین استانداردهایی هستند. [12] جنبش اخیر بر اساس این تصور رخ داد که: «اجرای ارزش بازار ممکن است مشکلی از بازارهای خصوصی را حل نکند اما محافظه کاری ایجاد شده بوسیله حسابداری بهای تمام شده سنتی را حذف می کند.» در حال حاضر استانداردهای گذارندگان استانداردهای حسابداری با یک مسئله اساسی مفهومی مواجه هستند و حمایت گران ارزش منصفانه حسابداری آنان را به سمت اینکه استانداردها باید از حسابداری سنتی مبتنی بر بهای تمام شده تاریخی به سمت ارزش بازار دارایی و بدهی حرکت کند، سوق می دهند. به طور معمول، طرفداران حسابداری ارزش منصفانه به مزیت های نسبی آن، مانند، انعکاس بهتر واقعیت شرکت های بزرگ و یا فعالیت های مدیریت ریسک تاکید کرده اند. آنها گاهی اوقات در ترازنامه مبتنی بر حسابداری هزینه تاریخی نگاه کرده و آن را یک رسوایی می دانند. [27]

چنین حمایتی از حسابداری ارزش منصفانه بر پایه پارادایم ارزش منصفانه مبتنی بر الگوی سودمندی تصمیم گیری که به عنوان یک هدف رسمی تنظیمات استاندارد و با تشکیل هیات استانداردهای حسابداری آمریکا و پروژه چارچوب مفهومی تاسیس شد. [17]

ریاست گروه مطالعه اهداف حسابداری بوسیله Trueblood چند دهه قبل به این نتیجه رسیدند که «روشهای ارزشیابی مختلف برای داراییها و بدهی های مختلف ترجیح داده می شوند»^۳ این گروه همچنین اظهار داشت که باید در فرآیندی به انتخاب روشهای مناسب یا ترکیبی از روشها برای حداکثر سازی هد فهای صورتهای مالی وزن بدهیم. با این عنوان که هر روش با دارایی ها یا بدهی های تحت بررسی ارتباط دارند.^۴ ادبیات تجربی در حسابداری ارزش منصفانه، به خصوص قبل از بحران مالی، ادعا می کرد که «اندازه گیری ارزش منصفانه می تواند فقط برای اوراق بهادار قابل معامله در بازار بسیار سیال باشد، در حالی که شواهد اهمیت مربوط به هر دو دارایی مالی و غیر مالی تقویت می کند.» [17]

به طور مختصر، هسته حسابداری ارزش منصفانه این است که «آن در نظریه بازار کار آمد توجیه می یابد و خلاصه قیمت تمام اطلاعات موجود، تا قیمت کالای حسابداری برای ارزشیابی است.» [27] علاوه بر این برخی تحقیقات تجربی سندی بر هبستگی بین اندازه گیری ارزش منصفانه و قیمت سهام است که برای درک اینکه ارزش منصفانه مربوط به سرمایه گذاران است مفید است. متأسفانه، با این حال، آن نمی تواند رهنمودی ارائه کند در پاسخ به این سوال سیاسی که آیا ارزش منصفانه باید به جای حسابداری هزینه تاریخی (بهای تمام شده تاریخی) گزارش شود؟ [26]

بنابراین مقررات حسابداری مدرن تاکنون «مدل حسابداری با ویژگی مختلط» را حفظ می کند که حداقل هر دو نوع از مدل اندازه گیری (حسابداری ارزش منصفانه و حسابداری هزینه تاریخی) را در مجموعه ای از استانداردهای حسابداری می پذیرد. مدل با ویژگی مختلط اغلب اجازه می دهد تا شرکتها برای انتخاب یک موقعیت از طریق ویژگی اندازه گیری آنها در نظر گرفته، اینکه چگونه موقعیت ها را طبقه بندی کنند. [29]

بر این اساس، طبق استانداردهای حسابداری اصلی جاری، سود یا زیان غیر عملیاتی در انباشته سود جامع (یا به عنوان بخشی از حقوق صاحبان سهام) و یا سود خالص گنجانده شده است. به طور خلاصه، طبقه بندی سود یا زیان ناشی از حسابداری ارزش منصفانه می توان گفت که مخلوط می شوند. بنابراین، این می تواند نتیجه بدهد که حسابداری ارزش منصفانه نه به ارزش بازار شبیه است و نه به ارزش مبتنی بر بهای تمام شده (حسابداری هزینه تاریخی) و به طور کامل به عمل حسابداری

3 AICPA, 1973: p. 41

4 AICPA, 1973: p. 43

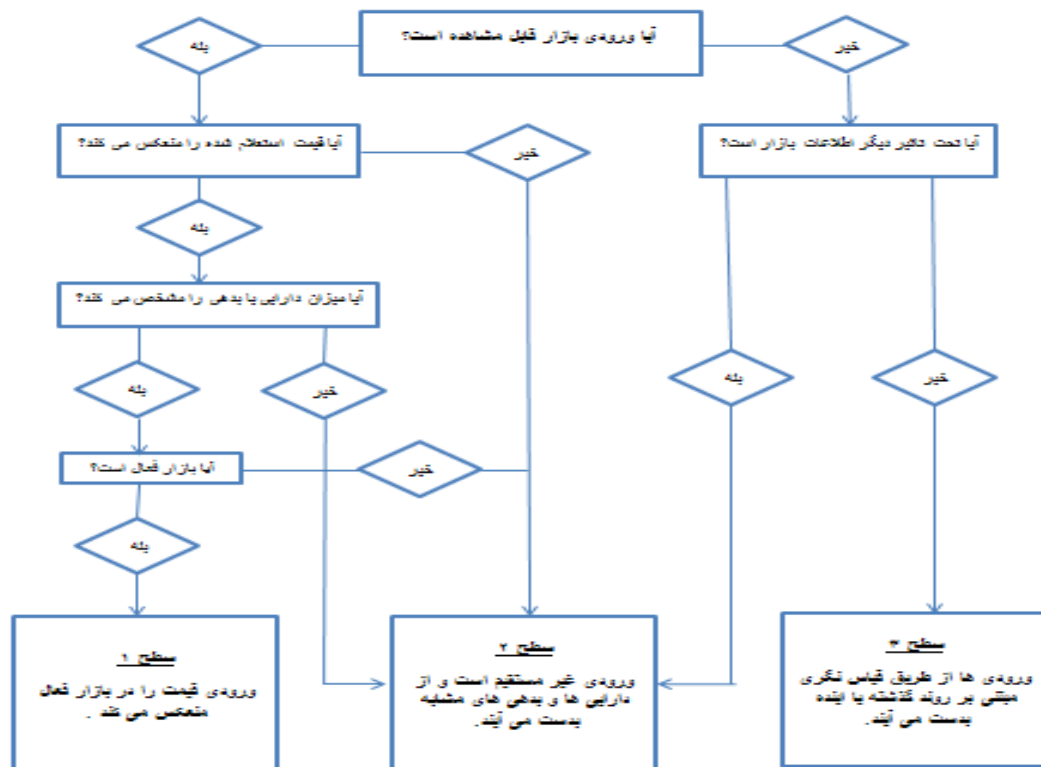
قبلی بستگی دارد. در عوض، در چهار دهه پیش در گزارش Trueblood استفاده از اندازه گیری مختلط برای مدت طولانی پذیرفته شده است. با این وجود، طبق مقررات حسابداری فعلی هیات استانداردهای حسابداری بین المللی و هیات استانداردهای حسابداری آمریکا که نفوذ غالب جهانی دارند، اشیاء موضوع حسابداری ارزش منصفانه متنوع و بسیار پیچیده هستند. با توجه به اینکه شرایط اقتصادی و کسب و کار فعلی از زمانهای گذشته متفاوت است، معلوم نیست که آیا مدل ارزشیابی مختلط بتواند بصورت اتوماتیک از عهده ابزارهای مالی پیچیده جاری برآید. با توجه به این نکته می توان استدلال کرد که در فضای یک اقتصاد نسبتاً "مالی گرا آنچه که جهان مالی شده نامیده شده، دارایی ها و بدهی های نامشهود و مالی مهم هستند و حسابداری مالی نوساناتشان و فعالیت مدیریت ریسک شرکت ضروری است. بر اساس قوانین حسابداری ارزش منصفانه، زمانی که دارایی ها در جریان هستند و در حال داد و ستد، مصلحت بر آن است که اختلاف بین ارزش بازار و ارزش دفتری ثبت گردد. هنگامی که ارزش دارایی کاهش یافته، گزارش ارزش منصفانه تنظیمات مالی را تقویت می کند و تبدیل صرفه دارایی به زیان و تزریق مالی به خروج از سود جاری است. [15]

۲-۱. استانداردهای حسابداری ارزش منصفانه موجود

بر اساس بیانیه ۱۵۷ هیئت استانداردهای حسابداری مالی با نام «اندازه گیری ارزش منصفانه»، ارزش منصفانه عبارت است از قیمتی که در ازای فروش یک دارایی دریافت می شود و یا جهت پرداخت یک بدهی در یک معامله حقیقی میان فعالان بازار در تاریخ اندازه گیری، مورد استفاده قرار می گیرد. [1]

به همان میزان که نقش فعالیت های مالی تقویت گردیده اند، حسابداری ارزش منصفانه بیشتر تاثیر گذار می گردد. اگر چه توسعه حسابداری ارزش منصفانه پر پیچ و خم است، اما آن منجر به استقرار و ایجاد بیانیه استانداردهای حسابداری مالی ۱۵۷ استاندارد فراگیر و جامع و مستقل حسابداری ارزش منصفانه در ایالات متحده آمریکا است. تصویر شماره ۱ این فرایند را برای محاسبه کردن ارزش منصفانه ترکیبی از دارایی و بدهی طبق استاندارد بیانیه استانداردهای حسابداری مالی ۱۵۷ به نمایش گذاشته است. این استاندارد به این دلیل با استقبال روبرو شد زیرا به تنهایی می تواند بازده و تطابق اندازه گیری ارزش منصفانه را در میان خیلی از استانداردها که نیاز به گزارش کردن و افشای ارزش منصفانه را دارد، افزایش دهد. و در بین مواردی که قیمت بازار برای دارایی ها یا بدهی های مشابه از بازار فعال، فوراً در دسترس قرار می گیرند (که متعلق به اندازه گیری سطح ۱ است) با شرایطی که قیمت بازار باید به صورت فرضی برآورد شود، متمایز می شود. (اندازه گیری های مرحله ۲ و مرحله ۳، که با افزایش درجه ذهنیت با برآورد متفاوت انجام می گردد).

بیانیه استانداردهای حسابداری مالی ۱۵۷ برای هماهنگ نمودن صورتهای مالی که از نوامبر ۲۰۰۷ منتشر شده است، موثر بوده است. اگر چه هیات استانداردهای حسابداری بین المللی استاندارد مقایسه ای، IFRS ۱۳ را در ماه مه ۲۰۱۱، صادر میکند این مطالعه متکی بر استاندارد ایالات متحده آمریکا است چرا که شواهد بیشتری از کاربرد آن وجود دارد.



شکل ۱. سلسله مراتب ارزش منصفانه در بیانیه استانداردهای حسابداری مالی ۱۵۷ [6]

گذشته از استانداردهای حسابداری، نقش حسابرسان برای حسابداری ارزش منصفانه همچنین مهم است. حسابرسان خارجی ممکن است گزارشهای حسابداری ارزش منصفانه شرکتها را در فرایند حسابرسی هدف قرار دهند. بیشتر حسابرسان با این حال در خصوص ارزشیابی آموزشی کمی دیده اند. [25]

حسابداری ارزش منصفانه بصورت فزاینده ای برای حسابرسان سخت تر بدست می آید تا بوسیله کنترل تجربی خودشان احساس کنند که واقعی است. علاوه بر این، هیچ مقداری از حسابرسی نمی تواند عدم قطعیت برآورد را حذف کند. در ارزشهای گزارش شده که توسط مدل برآورد مدیریت مشتق شده است دارای حساسیت فوق العاده نسبت به تغییرات کوچک روی داده ها هستند. [7]

علاوه بر این، حسابرسان ترجیح می دهند به دنبال راهکار مناسب براس حسابرسی حسابداری ارزش منصفانه باشند. با این حال، استاندارد بین المللی حسابرسی ۵۰۰، شواهد حسابرسی (ISA500)، منتشر شده توسط فدراسیون بین المللی حسابداران، بیان می کند که حسابرسان ممکن است یافته های یک متخصص استخدام شده توسط مدیریت را بعنوان گواهی معقول میزبانی بپذیرند. این یک روند طبیعی نیست که از طریق تقسیم کار چند رشته ای حاصل می شود. این امر ممکن است روابط ویژه و غالباً رقابتی را بین هیات های مختلفی از کارشناسان مشخص کند. [28] بنابراین، تخصصی شدن وظایف، نقش حسابرس را چون رهبر ارکستر تقویت می کند و نیاز به دست آوردن شایستگی لازم در روشهای ارزشیابی خواهند داشت تا قادر باشند که اطمینان دهند که هماهنگی خوبی بین متخصصان مربوطه وجود دارد. [21]

Accounting & Management

بنابراین، در نظر داشتن حسابداری ارزش منصفانه از این دیدگاه مفید است که فرض بر این گذاشته شود که اشخاص حرفه‌ای مختلف در محاسبه ارزش منصفانه همکاری می‌کنند. این امر می‌تواند پله اول تئوریک برای بررسی کردن جنبه‌های عملی توزیع شدن حسابداری ارزش منصفانه باشد. بخش‌های بعدی چنین دیدگاهی را بحث و بررسی می‌کند.

۲-۲. نگاهی حاصل از دیدگاه تئوری شناخت توزیع شده

در برخی موارد، خصوصاً در ارتباط با ورودی‌های سطح ۲ و ۳، به دست آوردن ارزش منصفانه از ابزارهای مالی پیچیده شامل انواع مختلفی از دانش حرفه‌ای و اطلاعات ویژه می‌شود. به عبارت دیگر در موقعیت‌هایی که شامل ارزشیابی مالی پیچیده می‌گردد، وظایف شناخت‌گرایی دارد که بوسیله افراد مختلف انجام شود. بدین ترتیب این چنین موقعیت‌هایی می‌توانند با استفاده از چارچوب شناخت توزیع شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند. مفهوم شناخت توزیع شده در زمینه‌های مختلف توجه را به خود جلب کرده است. اعم از قانون (به عنوان مثال، تصمیم‌گیری هیات منصفه) و جامعه‌شناسی (به عنوان مثال، پردازش اطلاعات در سازمان) در علم کامپیوتر (به عنوان مثال، محاسبات شبکه و انفورماتیک) و در علم پزشکی (به عنوان مثال، پانل‌های متخصص). [23] بر اساس متون قبلی، این دیدگاه به احتمال زیاد در دو نقطه غیر سنتی حسابداری ارزش منصفانه افق جدیدی را روشن کند. نقطه اول در ارتباط با شناخت تقسیم کار است. بنا بر گفته هاتچنز «تمام تقسیم کارها، چه از نظر فیزیکی چه مفهومی نیاز به شناخت توزیع شده به منظور هماهنگ کردن فعالیت‌های شرکت‌کنندگان دارد.» [5] همچنین دولت و محاسبات اقتصادی وابسته به شناخت یک انسان نیست دقیقاً به دلیل اینکه آن یک صلاحیت مکانیکی یا روانی صرف یک انسان نیست بلکه در میان افراد بسیار و دستگاه‌های ذهنی توزیع شده است. بنابراین به سادگی فرض کنید که به جای شناخت یک فرد خاص ما به برخی تفکرات شناخت واقعی دعوت می‌شویم که در میان چندین فرد توزیع شده است. [13] با انجام این کار، فاصله‌ای که بین مدل‌های شناختی با هدف‌های کلی و توضیحات از عملکرد انسان به شکل پیچیده و موقعیت‌های جهان واقعی وجود دارد می‌تواند پر شود. این دیدگاه می‌تواند یک جایگزین برای مدل‌های بر محور شناخت فردی باشد. [16]

با توجه به گفته هازلهورست و همکارانش شناخت توزیع شده سیستم فعالیت را اصلاح می‌کند تا اینکه فرد به عنوان یک واحد تجزیه و تحلیل شناختی باشد. شرط ضروری برای شناخت توزیع شده در یک گروه از حضور ساختار سازمانی است که به گروه اجازه می‌دهد تا به قضاوت جمعی برسند. چنین قضاوت‌های جمعی در حال حاضر برای ارزشیابی‌های مالی پیچیده، به دلیل نوآوری‌های مالی مدرن که حداقل یک عارضه جانبی مهم مانند عدم واسطه را شامل می‌باشد، ضروری است. این پس زمینه تاکید اهمیت معرفی دیدگاه شناخت توزیع شده را نشان می‌دهد. دومین نقطه مطرح شده توسط این دیدگاه مربوط به میزانی که وظایف شناختی توزیع شده هستند، است. توجه داشته باشید که منابع خارجی از جمله مصنوعات، ابزار و اشیاء، به شناخت انسان شکل می‌دهند. [24] همچنین فرض می‌شود که شناخت و محاسبه را می‌توان نه تنها به انسان بلکه به وسایلی مانند سیستم‌های فنی توزیع کرد. بنابراین علاوه بر بازیگران بشری، پیکر بندی اطلاعات، ابزار شاعی، مانند یک پایگاه داده و یا قیمت‌گذاری نرم افزار، می‌تواند نقش عملکردی در این چارچوب بازی کند. با این حال، اگر ما در ذهن یک کار یا فعالیت خاص را مجسم کنیم، ترسیم شناخت توزیع شده می‌تواند سخت باشد. با توجه به این نکته توملا (۲۰۰۷) به کسب و کار یک شرکت به عنوان مثال یک سازمان از اعضای گروه با اخلاق خاص، اهداف عمومی، ارزش‌ها، استانداردها و غیره توجه

Accounting & Management

دارد. [30] بر اساس این دیدگاه، این مطالعه بر مرزهای رسمی سازمانی از واحدهای گزارشگر تکیه دارد. با این حال، پیچیدگی حسابداری ارزش منصفانه ماورای روابط معاملاتی و یا قراردادی است که در فرآیندهای محاسباتی هستند. در مقابل، چهارچوب شناخت توزیع تنها مربوط به روابط معاملاتی و قراردادی نیست بلکه شامل مواد مصنوعات، ابزار و شناخت انسان مبتنی بر گروه نیز می‌شود. بنابراین، با توجه به حسابداری ارزش منصفانه برای ابزارهای مالی پیچیده در شرکت های سرمایه گذاری، تمرکز بر مدل کسب و کار شرکت اصلی سودمند است.

در عوض اتخاذ این دیدگاه نیاز به در نظر گرفتن تغییر مدل کسب و کار دارد که هاسلام و همکاران به این صورت شرح می‌دهند: از اواسط 1970s در ایالت متحده (و بعد از آن در اروپا) بانک ها موفق به قطع ارتباط منابع مالی (از پس انداز) خود از طریق اوراق بهادار شدند که فروش وام ها را به سرمایه گذاران دیگر که در بازار اوراق قرضه سرمایه های خود را جذب کرده بودند، تسهیل می‌کرد. این تغییر نشان می‌دهد که برون سپاری و حذف سازمانهای واسطه از رنجیره مالی بانکی افزایش یافته است. در واقع، همانطور که در پایین نشان داده می‌شود، تمایل به برون سپاری ارزشیابی مالی پیچیده قدرت گرفت. بر اساس این تجزیه و تحلیل، بخش بعدی به بررسی فرآیند واقعی از ارزشیابی ابزارهای مالی در شرکتهای سرمایه گذاری می‌پردازد. از نظر کاپلن ۲۰۱۱ این از همیشه مهمتر هست که به خصوصیات عمل حسابداری ارزش منصفانه جاری در فعالیت های شرکت های سهامی مالی شده پیچیده توجه شود. بررسی جنبه های علمی حسابداری ارزش منصفانه برای ابزارهای مالی می‌تواند شکاف میان منتقدان حسابداری ارزش منصفانه و بنگاههای استانداردهای حسابداری (و یا محققان دانشگاهی حسابداری) را پر کند. در بخشهای بعدی با تجزیه و تحلیل شیوه های ارزشیابی واقعی متشکل از دو رشته بر منابع اطلاعاتی برای تصرف واقعیت فعلی از ارزشیابی حسابداری تکیه می‌کنیم.

شناخت توزیع شده در مراحل حسابداری ارزش منصفانه برای ابزارهای مالی در جهان مالی مدرن، شرکت های سرمایه گذاری به دنبال معامله گران ماهری هستند که قادر به جایگذاری مقدار زیادی از پول سرمایه گذاران در ابزارهای مالی سودآور باشند که سود تجاری را به همراه دارد. ابزارهای مالی درگیر اغلب ساختار پیچیده ای دارند. قراردادهای مشتق مدرن با اندازه گیری ابزارهای مالی پیچیده ساخته می‌شوند. خصوصاً "ویژگی اصلی عناوین قرارداد مشتق اینکه آن تنها با مبادله وجه نقد یا دو طرف آشنا به تقاضا یا تحویل دارایی مورد نظر حل و فصل می‌گردد. اندازه گیری برای تعیین مقدار پولی که باید پرداخت شود بکار گرفته می‌شود. بنابراین باید دقیق باشد: این باید قابل پذیرش باشد که این عدد نماینده ای از واقعیت است و منوط به دستکاری نباشد. [24]

بهر حال در عمل ارزش واقعی ابزارهای مالی پیچیده را می‌توان به شرح زیر توضیح داد. هیچ چیز در جهان مالی در خلا اتفاق نمی‌افتد. این روزها، با توجه به رشد نمایی از تریلیونها دلار از اوراق بهادار گره خورده به ارزش اوراق بهادار دیگر که به عنوان مشتقات شناخته می‌شوند به طور شبکه فوق العاده پیچیده از روابط تجارت جهانی درآمده است. قوانین حسابداری به دنبال ترویج صنعتی است که این روابط متقابل با توجه به نیاز شرکت به طور مداوم چک شود تا در مورد ارزش اوراق بهادار در ترازنامه خودشان مطمئن شوند که ارزش منعکس شده دقیقترین مبلغ ممکن را نشان می‌دهد. طبیعتاً، این عمل درگیر قضاوت است، به ویژه برای اوراق بهادار پیچیده، میان معامله گران در مورد ارزش های مشترک اختلاف وجود دارد. [9] این نقل قول نشان می‌دهد که اختلافات غالباً "در میان معامله گران پیچیده بیشتر از مقادیر دیگر ابزارهای مالی رخ می‌دهد.

هیات مشاوره استانداردهای حسابداری بین المللی^۷ (۲۰۰۸) نیز می پذیرد که ارزیابی های حرفه ای اغلب در سطح سازمانی متفاوت هستند که به شرح زیر است:

به عنوان نتیجه اعمال قضاوت، دو نهاد ممکن است که به تخمین های متفاوت از ارزش منصفانه یک سند مشابه برسند حتی اگر هر دو نهاد هدف یکسانی از اندازه گیری ارزش منصفانه داشته باشند. این شرایط زمانی است که، با این که هر دو از مدل های یکسانی استفاده می کنند اما ورودی های غیرقابل مشاهده در مدل آنها متفاوت است.

یک موضوع نگران کننده این است که افراد در این سازمان ها چگونه ارزش منصفانه ابزارهای مالی را در پرتقوی خود تعیین می کنند. آیا معامله گران که به طور جدی قصد معامله داراییهای خود را دارند در مورد ارزش منصفانه دارایی مورد معامله تصمیم می گیرند؟ یا، اعضای هیئت مدیره که به طور کلی مسئول کسب و کار معامله گران هستند تصمیم گیری می کنند؟ یا آیا یک دفتر پشتیبانی که کارهای اداری را انجام می دهد، تصمیم گیری می کند؟ با توجه به ارزیابی دارایی ها، مخصوصا در شرکت های سرمایه گذاری، یک عامل کلیدی زمان است که در خالص ارزش دارایی ها (NAV) وجود دارد که ارزش هر سهم وجوه موثر استفاده شده توسط صندوق است که در پایان هر روز معاملات محاسبه می شود. مقدار NAV در فرآیند خرید، باز خرید و مبادلات بوسیله سهامداران استفاده می شود. ارزیابی مناسب از اوراق بهادار تضمین می کند که سهامداران صندوق معاملات، قیمتی را پرداخت یا دریافت میکنند که نشان دهنده متناسب سهم خودشان از پرتقوی صندوق است. با این حال، در حالی که نهایتاً "مسئولیت فرایند ارزیابی منصفانه با هیئت مدیره است، این مسئولیت لزوماً" به این معنی نیست که هیئت مدیره شخصاً" باید ارزش منصفانه را تعیین کند. با توجه به راهنمای SEC؛ یک هیئت مدیره ممکن است اعضای مستقیم از مدیریت صندوق (کسی که ممکن است عضو هیئت مدیره باشد یا نباشد) یا دیگران را برای ارزش منصفانه واقعی کند تا زمانی که هیئت مدیره روش یا روشهای تعیین ارزش منصفانه را بررسی و تصویب کند، به طور منظم بررسی تناسب و دقت روشهای ارزشیابی هر تنظیمات لازم است. در نتیجه اعضای ارشد هیئت مدیره در این سازمان ممکن است نیاز نباشد که به طور مستقیم درگیر حسابداری ارزش منصفانه شوند. [20]

۲-۳. حسابداری ارزش منصفانه توزیع شده خارج از سازمان

در واقع شرکت های سرمایه گذاری معمولاً از سرویس های حرفه ای خارجی به ارزش ابزارهای مالی پیچیده استفاده می کنند. فروشندگان داده های مالی در حال حاضر داده ها را برای شرکت های سرمایه گذاری و معامله گرانشان فراهم می کنند. بر اساس یک نظرسنجی توسط استریم بیس^۸، تقریباً نیمی از پاسخ دهندگان (46%) در حال حاضر توسط ۲-۳ از ارائه دهندگان داده پشتیبانی می شوند. برخی در حدود 18% فقط با یک ارائه دهنده برخورد داشته اند، در حالیکه 17% بیشتر از شش تا استفاده کرده اند. جای تعجب نیست، بلومبرگ و تامسون رویترز^۹ جزء شایع ترین ارائه دهندگان داده های بازار بوده اند. [8] بعضی صندوق ها به طور واضح بیان می کنند که آنها اوراق قرضه ها را در قیمت متوسط بازار نشان می دهند (برای مثال میانگین قیمت پیشنهادی و درخواستی). در حالی که دیگر صندوق ها به طور صریح بیان می کنند که اوراق قرضه ها را در قیمتهای پیشنهادی ثبت می کنند. این ممکن است به خاطر این باشد که فروشندگان متفاوت خریداران متفاوتی را تجربه می کنند که آنها نظر متفاوتی را درباره ارزش واقعی از هر انتشار به ندرت شکل می دهند. [8]

7 International Accounting Standards Board Advisory Panel

8 Streambase

9 Bloomberg and Thomson Reuters

راهنمای ارزش منصفانه SEC شماره فراتر از توقعات نبوده، مخصوصاً" که به صندوق‌ها اجازه می‌دهد ارزش یک مورد خاص را با رنجی از قیمت‌های پیشنهادی و درخواستی که بیشتر مورد توجه واقع شده اند ارزیابی کنند. به علاوه نتایج یک پژوهش که به وسیله یکی از چهار شرکت بزرگ حسابداری انجام شده بود نیز سودمند است. ۶۷ مدیر صندوق بعنوان نماینده متخصص در صنعت در نظر سنجی شرکت کردند. آنها از بین ۳۰۰۰ صندوق مشترک سرمایه‌گذاری با دارایی تحت مدیریت بالغ بر ۲/۲ تریلیون دلار انتخاب شدند. نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که اختلافات میان مدیران صندوق‌ها معمولی است. یکی از نشانه‌های تمرکز صنعت برای استفاده در فرآیند چالش (چلنج) قیمت بود. تقریباً ۹۷٪ بیان داشتند که آنها با ارزشیابی‌هایی که توسط فروشندگان قیمت‌گذار اولیه انجام می‌شود چالش قیمت را انجام می‌دهند. حدود ۳۴٪ با چالش قیمت بصورت روزانه درگیر بودند. افزایش مراحل چالش قیمت با توجه به نوسانات و عدم قطعیت در بازار سرمایه‌گذاری و رویه‌ها و سیاست‌های عادی تقویت سرمایه‌گیر عادی نیست. گروه‌های سرمایه‌گذاری بطور گروهی در سازمان‌هایشان موفق‌تر هستند برای تشخیص ارزیابی فرایند قیمت‌گذاری بر مبنای روزانه که به وسیله یکدیگر انجام شده و از ابزارهای پیشرفته مدرن درونی و سنتی استفاده می‌کنند. فرایند قیمت‌گذاری و مسائلی که مطرح می‌شود عادی شده است و مدیران پرتفوی و معامله‌گران در ارزیابی‌های خود از مراحل ارزش‌گذاری، فعال‌تر شده‌اند و اطلاعات نسبی اضافی مورد توجه واقع شده است. [10] اصطلاح چالش قیمت عدم توافق میان مدیر صندوق و قیمت‌گذاری فروشنده خارجی را نشان می‌دهد. همانطور که بیان شد درخواست اینکه فروشندگان خارجی سرویس‌های قیمت‌گذاری را در مراحل حسابداری ارزش منصفانه ارائه می‌دهند، امروزه کاملاً عادی شده است. نتایج پژوهش به طور روشن گرایش‌های زیر را نشان می‌دهد: 73٪ از شرکت‌کنندگان در نظر سنجی نشان می‌دهند که آنها احساس می‌کنند که خدمات قیمت‌گذاری ارزیابی قابل اعتمادتر از کارگزاران ارائه می‌دهد. 97٪ نشان می‌دهند که ارزیابی ارائه شده توسط فروشنده قیمت‌گذاری اولیه را به چالش کشیده‌اند. خدمات قیمت‌گذاری به طور کلی سالانه 66٪ از گروه‌های صندوق را تایید می‌کنند. کارگزاران با احتمال بیشتری مورد تایید قرار می‌گیرند (54٪). هنگام پرداخت حقوق یا تسویه بدهی به منابع قیمت‌گذاری، 81٪ از پاسخ‌دهندگان خدمات و کارگزاران قیمت‌گذاری خود را درخواست می‌کنند که ایا قیمت‌ها بازتاب آخرین معامله هستند (افزایش ۲۲٪). حاصل از بررسی سال گذشته، [10]

بر اساس ملاحظات فوق قابل توجه است که علائم استفاده شده برای قیمت‌گذاری پیچیده و داد و ستدهای مالی استفاده می‌شود که می‌تواند درگیری ایجاد کند بنابراین خیلی از نهاد‌های مالی و صندوق‌ها از ارزش‌گذاری‌های حرفه‌ای خارجی استفاده می‌کنند که شباهت‌های قیمت‌گاہگاهی در آنها اتفاق می‌افتد.

۲-۴. حسابداری ارزش منصفانه توزیع شده: داخل سازمان

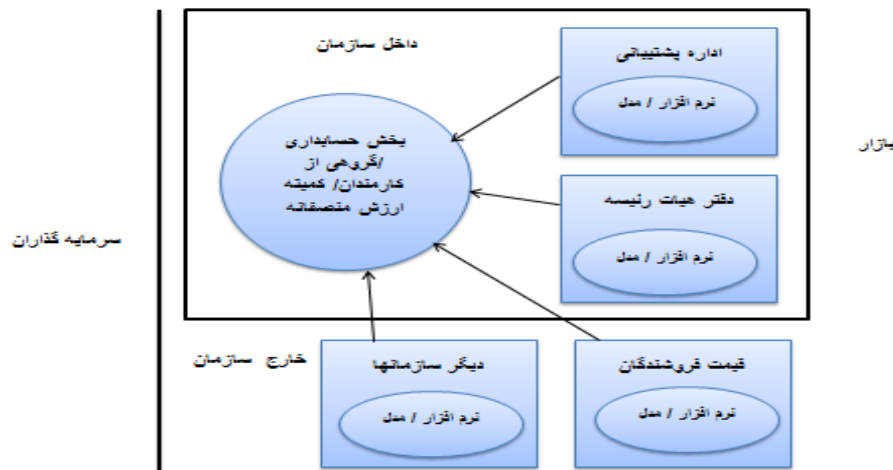
تا کنون، بحث بالا تا حد زیادی بر جنبه‌های توزیع عمل ارزیابی متنوع در شرکت‌های سرمایه‌گذاری و فروشندگان قیمت‌گذاری خارجی تمرکز کرده است. به عبارت دیگر، اقدامات در داخل یک نهاد را در نظر نگرفته است. به عنوان یک مثال، لپینی ۱۰ ایجاد و ارزیابی ابزارهای مالی پیچیده را در داخل یک بانک بزرگ فرانسوی به خصوص از جنبه حسابداری نشان داد. بر اساس شخصیت یک ابزار مالی ویژه، بانک دارای سه پیکربندی متفاوت است، که هر کدام یک نقش متفاوت در ارزیابی بازی می‌کنند: دفتر پشتیبانی، دفتر جلو، و بخش حسابداری. دفتر پشتیبانی یک پایگاه داده، مدل، و قیمت‌گذار برای ارزیابی

10 Lépinay

Accounting & Management

ابزارهای مالی ساده دارد. بخش حسابداری نیازی ندارد که به دانش تجار دفتر جلو تکیه کند. دفتر پشتیبانی به طور مستقیم اطلاعاتی را به بخش حسابداری می‌دهد که بسیاری از محاسبات را به یک شکل واحد تبدیل می‌کند و بعدی به سادگی یک تعمیم از اولی است. در مقابل، برای ارزیابی ابزارهای مالی جدید، و ذاتاً پیچیده، چک و کنترل از دفتر پشتیبانی کافی نمی‌باشد و بخش حسابداری برای ارزیابی به دفتر جلو تکیه می‌کند (برای مثال معامله گران). گاهی اوقات بخش حسابداری به پایگاه داده دفتر پشتیبانی نیاز دارد به علاوه برای تهیه ارزیابی به اطلاعات اداره اصلی وابسته است. [22]

نتایج تحقیق دولتی نیز بیان میدارد که کمیته های قیمت گذاری در داخل یک سازمان تمایل به مستقل بودن از اعضای ارشد هیئت مدیره را در مراحل حسابداری ارزش منصفانه دارند. 58% از شرکت کنندگان در نظر سنجی نشان داده است که هیئت امنا یک کمیته ارزیابی منصفانه جداگانه ایجاد کرده است. 48% از شرکت کنندگان، نشان داده است که تنها امنای غیر علاقمند در کمیته ارزیابی منصفانه خدمت می‌کنند. 39% نیز شامل امنای علاقمند و غیر علاقمند است.



شکل ۲. توزیع احتمالی حسابداری ارزش منصفانه برای ابزار مالی پیچیده [22]

بنابراین، ارزیابی برخی ابزارهای مالی پیچیده می‌تواند حتی در داخل یک سازمان توزیع شود. همانطور که در شکل ۲ نشان داده شد، افراد حرفه ای می‌توانند به خوبی افرادی که در خارج از سازمان قرار دارند و هدفشان معامله ابزارهای مالی پیچیده است، در داخل سازمان قرار بگیرند. در آخر، این توزیع شدن انگیزه تهیه خدمات قیمت گذاری ارزشگذاری حرفه ای خارجی را از طریق برون سپاری برمی‌انگیزد. [15] در نتیجه، استفاده از دانش حرفه ای مختلف داخلی و خارجی متنوع به سود یا زیان صورت‌های مالی شرکت‌های سرمایه گذاری عینیت می‌بخشد. ممکن است که در موارد زیادی که ارزیابی‌ها پیچیده باشند و به طور یکنواخت به تعداد محدودی از افراد سازمان توزیع شود، زیرا در شرکت های سرمایه گذاری، ارزیابی برخی از ابزارهای مالی نمی‌تواند توسط معامله گران، دفتر پشتیبانی، یا یک بخش حسابداری منزوی تصمیم گرفته شود، اما باید در ارتباط با بخش های دیگر یا سازمان های خارجی انجام شود. [22] از آنجا که اعتبار و شهرت می‌تواند ابعاد مهمی در بازار باشد، اطلاعات مهم برای حسابداری ارزش منصفانه ممکن است که برای اولین بار به شرکت های معتبر محدود و سپس به دیگر سازمان ها و افراد توزیع شود. به دلیل دانش توزیع شده حسابداری ارزش منصفانه، ممکن است ارزیابی، منصفانه نباشد زیرا ممکن است با فرض اساسی بازار کارا در تناقض باشد.

۳. نتیجه گیری

بسیاری از طرفداران حسابداری ارزش منصفانه به طور ضمنی فرض می‌کنند که بازارهای مالی کارآ هستند. ارزیابی‌های منصفانه مجبور به بازتاب و تقویت این کارایی به وسیله پخش بهتر اطلاعات با زمان واقعی اطلاعات روی دارایی‌های عینی و ارزیابی‌های بدهی‌ها هستند. با این حال، هیچ شواهد قطعی که حسابداری ارزش منصفانه باید به طور کامل با دیگر روش ارزیابی مانند حسابداری هزینه تاریخی و مدل‌های ارزش‌گذاری چند مشخصه که در کشورهای بزرگ پذیرفته شده‌اند، جایگزین شود وجود ندارد. این مطالعه تجربی بر پایه برخی مشاهدات از شیوه‌های حسابداری ارزش منصفانه برای مقادیر اوراق بهادار که به سختی ارزش‌گذاری می‌شوند آشکار می‌کند که هم فرایند و هم دانش فنی حسابداری ارزش منصفانه باید در میان پایگاه‌های داده، مدل‌ها، و نرم افزارها، همچنین در میان افراد متخصص با دانش شخصی خود از بازار توزیع شود. این می‌تواند در بعد شناخت توزیع شده، توضیح داده شود.

اگرچه این مطالعه فرض می‌کند که دانش نه تنها باید در میان افراد مختلف بلکه در میان مدل‌ها، پایگاه‌های داده و نرم افزارها توزیع شود، آن نشان می‌دهد که بیشتر فعل و انفعالات در میان افراد و سازمان‌ها در بازار می‌تواند به نیاز برای ارزیابی ابزارهای مالی پیچیده به ویژه در شرایط غیر معمول کمک کند. در شرایط بازارهای مالی پیچیده مدرن، حرفه‌ای‌ها نمی‌توانند با توجه به حسابداری ارزش منصفانه به حسابداران قول استقلال شخصی را بدهند. این چنین استقلال‌هایی می‌تواند در زمینه روابط مشترک و تفسیر تولید شده از طریق دانش حسابداری غیر ممکن باشد. [14] توزیع روند حسابداری ارزش منصفانه ممکن است اجتناب ناپذیر باشد، اما این نیز مهم است که این فرآیند توسط تعاملات انسانی فراتر از مرزهای رسمی و قراردادی که در داخل و خارج سازمان‌ها وجود دارد پشتیبانی می‌شود. بر اساس این اظهارات، مطالعات آینده می‌تواند چگونگی دانش و فرایندهای توزیع حسابداری ارزش منصفانه به افراد و سازمان‌ها (مانند معامله‌گران در اداره اصلی، کارمندان در اداره پشتیبانی و حوزه حسابداری، مهارت‌ها در فروشندگان داخلی و مستمعان در شرکتهای حسابداری) توزیع شود. بر اساس این اظهارات، مطالعات آینده می‌تواند چگونگی دانش و فرایندهای توزیع حسابداری ارزش منصفانه به افراد و سازمان‌ها، تعامل در بازار و اقدامات برای مقابله با این جنبه‌های پیچیده حسابداری ارزش منصفانه را کشف کند.

منابع:

- [1]- تاری وردی، یدالله، رضا داغانی، ارزش منصفانه دیدگاه منصفانه، حسابرس، شماره ۵۲، اردیبهشت ۱۳۹۰
- [2]- قنبریان، رضا، مدل حسابداری ارزش منصفانه، حسابرس، شماره ۵۱، زمستان ۱۳۸۹
- [3]- ثقفی، علی، نقد بهای تاریخی، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، سال نهم، شماره ۳۰، زمستان ۱۳۸۱
- [4]- AAA (American Accounting Association) Financial Accounting Standards Committee. (2005). Response to the exposure draft on fair value measurements. Accounting Horizons, 19(3), 187-196.
- [5]- Callon, M., & Muniesa, F. (2005). Economic markets as calculative collective devices. Organization Studies, 26(8), 1229-1250.

[6]- Campbell, R. L., Owens-Jackson, L. A., & Robinson, D. R. (2008). Fair value accounting from theory to practice: Implementation of بیانیه استانداردهای حسابداری مالی No. 157 will be tumultuous, painful, and require significant adjustment for U.S. accounting professional. *Strategic Finance*, 90(1), 31-37.

[7]- Christensen, B. E., Glover, S. M., & Wood, D. A. (2013). Extreme estimation uncertainty and audit assurance. *Current Issues in Auditing*, 7(1), 36-42.

[8]- Cici, G., Gibson, S., & Merrick, J. J., Jr. (2011). Missing the marks? Dispersion in corporate bond valuations across mutual funds. *Journal of Financial Economics*, ۲۰۶-۲۲۶, (۱)۱۰۱,

[9]- Cohan, W. D. (2011). *Money and power*. New York: Penguin Books.

[10]- Deloitte. (2010). *Springing forward: The eighth annual fair value pricing survey Executive summary and key trends and findings*.

[11]- Financial Accounting Standards Board (هیات استانداردهای حسابداری آمریکا). (2006). *Statement of Financial Accounting Standard No. 157 Fair Value Measurement (Original pronouncements as amended)*.

[12]-Georgiou, O., & Jack, L. (2011). In pursuit of legitimacy: A history behind fair value accounting. *British Accounting Review*, 43(4), 311-323.

[13]- Giere, R. N. (2007). Distributed cognition without distributed knowing. *Social Epistemology*, 21(3), 313-320.

[14]- Gill, M. (2009). *Accountants' truth*. Oxford: Oxford University Press.

[15]- Haslam, C., Andersson, T., Tsitsianis, N., & Yin, Y. P. (2012). *Redefining business models: Strategies for a financialized world*. Oxon: Routledge.

[16]- Hazlehurst, B., Gorman, P. N., & McMullen, C. K. (2008). Distributed cognition: An alternative model of cognition for medical informatics. *International Journal of Medical Informatics*, 77(4), 226-234.

[17]- Hitz, J. (2007). The decision usefulness of fair value accounting – A theoretical perspective. *European Accounting Review*, 16(2), 323-362.

[18]- Hutchins, E. (1995a). *Cognition in the wild*. Cambridge: MIT Press.

[19]-Hutchins, E. (1995b). How a cockpit remembers its speed. *Cognitive Science: A*



[20]- Investment Company Institute (ICI), Independent Directors Council, & ICI Mutual Insurance Company. (2006). Fair valuation series: The role of the board.

[21]- Jacquemard, R. (2007). Fair value and the auditor. In P. J. Walton (Ed.), *The Routledge companion to fair value and financial reporting* (pp. 278–299). UK:Routledge.

[22]- Lépinay, V. A. (2011). *Code of finance*. Princeton: Princeton University Press.

[23]- List, C. (2008). Distributed cognition: A perspective from social choice theory. In A. Max, S. Dieter, & V. Stefan (Eds.), *Scientific competition: Theory and policy. Conferences on new political economy* (Vol. 25) (pp. 285–308). Germany: Tübingen.

[24]- MacKenzie, D. (2009). *The material markets-how economic agents are constructed*. Oxford: Oxford University Press.

[25]- Martin, R. D., Rich, J. S., & Wilks, T. J. (2006). Auditing fair value measurements: A synthesis of relevant research. *Accounting Horizons*, 20(3), 287–303.

[26]- Nissim, D., & Penman, S. (2008). *Principles for the application of fair value accounting*. White Paper 2. Centre for Excellence in Accounting and Security Analysis (Columbia Business School).

[27]- Penman, S. (2011). *Accounting for value*. New York: Columbia Business School Publishing.

[28]- Power, M. (1997). Expertise and construction of relevance: Accountants and environmental audit. *Accounting, Organizations and Society*, 22(2), 123–146.

[29]- Ryan, S. G. (2008). *Fair value accounting: Understanding the issues raised by the credit crunch*. White Paper. The Council of Institutional Investors.

[30]- Tuomela, R. (2007). *The philosophy of sociality: The shared point of view*. Oxford: Oxford University Press

[31]- Young, J. J., & Williams, P. F. (2010). Sorting and comparing: Standard-setting and 'ethical' categories. *Critical Perspectives on Accounting*, 21(6), 509–521.